

Corporate Governance Quality and Timeliness of Financial Reporting: The Moderating Role of Internal Auditing Quality

Bitra Mashayekhi¹, Amirreza Afrasiab², Reza Mokhtarian³, Zahra Azizzadeh parikhani⁴

Received: 2025/01/08

Approved: 2025/05/16

Research Paper

Abstract:

The timeliness of financial reporting can enhance the trust of investors and shareholders in financial information while preventing potential legal and financial issues. Among the critical factors, internal auditing is a vital component of the oversight process, ensuring the accuracy and reliability of financial information. This study examines the impact of corporate governance quality on the timeliness of financial reporting and the moderating role of internal audit quality in this relationship. The research employs a quantitative approach based on a correlational research design. Data from 109 companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2016 to 2023 were analyzed using logistic regression to test the hypotheses. The results indicate that corporate governance quality has a positive and significant effect on the timeliness of financial reporting. However, internal audit quality is not a moderating factor in this relationship. Accordingly, corporate governance quality plays a crucial role in ensuring the timeliness of financial reporting and enhances investors' trust in financial information.

Nevertheless, internal auditing, on its own, cannot address structural or managerial deficiencies that may lead to reporting delays. This study elucidates the role of corporate governance quality and internal auditing in improving the quality of financial reporting. It highlights the importance of effective governance and internal oversight management.

Key Words: Corporate governance, Timeliness, Internal auditing, financial reporting

 [10.22034/JPAR.2025.2050194.1379](https://doi.org/10.22034/JPAR.2025.2050194.1379)

1. professor, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) mashayekhi@ut.ac.ir
 2. MSc. Student, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. amirafra@ut.ac.ir
 3. MSc. Student, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. Mokhtarian.reza@ut.ac.ir
 4. MSc. Student, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. zahraazizzade1379@gmail.com
- <http://article.iacpa.ir>

کیفیت حاکمیت شرکتی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی: نقش تعدیلگر کیفیت حسابداری داخلی

بیبا مشایخی^۱، امیررضا افراسی آب^۲، رضا مختاریان^۳، زهرا عزیززاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده:

گزارشگری مالی به‌موقع می‌تواند موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و سهام‌داران به اطلاعات مالی شود و درعین‌حال از بروز مشکلات قانونی و مالی جلوگیری کند. در این میان، حسابداری داخلی به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی در فرایند نظارتی و اطمینان از صحت اطلاعات مالی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. این پژوهش به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی و نقش تعدیلگر کیفیت حسابداری داخلی در این رابطه می‌پردازد. این تحقیق از نوع کمی و با استفاده از طرح پژوهش همبستگی انجام شده است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها، داده‌های ۱۰۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ و روش رگرسیون لجستیک به کار گرفته شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. درعین‌حال، کیفیت حسابداری داخلی هیچ نقش تعدیلگری در این رابطه ایفا نمی‌کند. براین‌اساس کیفیت حاکمیت شرکتی نقش مهمی در به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد و موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی می‌شود. با این حال، حسابداری داخلی به‌طور مستقل قادر به رفع مشکلات ساختاری یا مدیریتی که ممکن است منجر به تأخیر در گزارش‌ها شوند نیست. این پژوهش نقش کیفیت حاکمیت شرکتی و حسابداری داخلی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی را روشن کرده و اهمیت مدیریت مؤثر حاکمیت و نظارت داخلی را برجسته می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، به‌موقع بودن، گزارشگری مالی، حسابداری داخلی

doi: 10.22034/IPAR.2025.2050194.1379

۱. استاد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mashaykhi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
amirafra@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
mokhtarian.reza@ut.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
zahraazizade1379@gmail.com

http://article.iacpa.ir

۱- مقدمه

گزارشگری مالی به موقع، به عنوان یکی از ارکان اصلی شفافیت و پاسخگویی در بازارهای مالی، نقش کلیدی در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ایفا می‌کند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۲). تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی می‌تواند پیامدهایی نظیر افزایش هزینه‌های تأمین مالی و کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران را به دنبال داشته باشد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۰). در بورس اوراق بهادار تهران، شواهد نشان‌دهنده درجات متفاوتی از تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده است که می‌تواند ناشی از ضعف در سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، پیچیدگی عملیات، کمبود منابع یا ناهنجاری‌های سازمانی باشد.

در این راستا، حاکمیت شرکتی، به عنوان مجموعه‌ای از ساختارها، فرایندها و کنترل‌های نظارتی، با ارتقای شفافیت و پاسخگویی، زمان‌بندی گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد (کینگ، ۲۰۲۳). با این حال، اثربخشی این سازوکارها به کیفیت حسابرسی داخلی، به عنوان یکی از اجزای کلیدی سیستم حاکمیت شرکتی که کنترل‌های داخلی را تقویت می‌کند، وابسته است (ساپوترا و یوسف، ۲۰۱۹).

این موضوع در بازار سرمایه ایران، باتوجه به الزامات نظارتی، اهمیتی مضاعف دارد. شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موظفاند مطابق با مقررات جاری، صورت‌های مالی حسابرسی شده خود (اعم از شرکت اصلی و تلفیقی) را حداکثر چهار ماه پس از پایان سال مالی و حداقل ده روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه منتشر نمایند. تأخیر در این فرایند، شفافیت بازار را تهدید کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کند. حاکمیت شرکتی با کیفیت و گزارشگری مالی به موقع، به ثبات بازارهای مالی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران کمک می‌کند، در حالی که قصور در این زمینه می‌تواند ریسک‌های سیستماتیک را تشدید نماید (آنجینر و همکاران، ۲۰۱۸؛ برگر و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، گزارشگری مالی بهتری دارند (اتردج و همکاران، ۲۰۱۱)، در حالی که ضعف در حاکمیت شرکتی با تأخیر بیشتری همراه است (ایرانی و اوش، ۲۰۱۳). همچنین، حسابرسی داخلی مؤثر، به ویژه در چارچوب‌های نظارتی مانند قانون ساربنز-اکسلی (SOX)، می‌تواند با پیشگیری از تأخیر، اعتماد ذی‌نفعان را تقویت کند (اولوفمی و همکاران، ۲۰۲۱؛ بار-هاوا، ۲۰۲۱؛ ویاس، ۲۰۲۱؛ برگر و همکاران، ۲۰۱۶).

با این حال جستجوهای صورت گرفته در این پژوهش نشان داد که در ایران تا کنون مطالعه‌ای به منظور بررسی این نقش‌ها انجام نشده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای بومی را برجسته می‌سازد. این مطالعه تلاش می‌کند برای اولین بار در ایران نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی داخلی در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی را بررسی کند که می‌تواند به پر کردن خلأ پژوهشی موجود کمک کند. همچنین، با استفاده از نظریه نمایندگی، چارچوبی نظری برای تبیین تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران ارائه می‌دهد که به درک بهتر این روابط کمک می‌کند. هدف از انجام این پژوهش مطالعه تأثیرپذیری

به موقع بودن گزارشگری مالی از کیفیت حاکمیت شرکتی است. همچنین در این مطالعه، این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد که آیا کیفیت حسابرسی داخلی می تواند رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی را تعدیل نماید یا خیر. در راستای تحقق این امر، پرسش های پژوهش به شرح زیر طراحی شده اند:

۱. آیا ارتباطی میان کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی وجود دارد و در صورت وجود ارتباط، جهت آن چگونه است؟

۲. آیا کیفیت حسابرسی داخلی می تواند ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی را تعدیل نماید؟

برای پاسخ به این پرسش ها، پژوهش حاضر از رویکرد کمی و طرح همبستگی بهره می گیرد و داده های ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ را تحلیل می کند. نتایج این پژوهش می تواند رهنمودهایی عملی برای مدیران اجرایی، اعضای هیئت مدیره و حساب رسان داخلی فراهم آورد و با ارائه شواهد تجربی از بازار ایران، به ادبیات این حوزه بیفزاید.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه ها

۲-۱- حاکمیت شرکتی و به موقع بودن: نظریه نمایندگی

به موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از مؤلفه های اصلی کیفیت اطلاعات مالی است که نقش بسزایی در تصمیم گیری آگاهانه ذی نفعان، ارتقای شفافیت سازمان ها و افزایش کارایی بازار سرمایه ایفا می کند (دویل و ماگیلک^{۱۲}، ۲۰۱۳). در مقابل، تأخیر در افشای اطلاعات می تواند شکاف اطلاعاتی میان شرکت و ذی نفعان ایجاد کرده، تصویری ناقص از وضعیت مالی شرکت ارائه دهد و در نتیجه، سطح ریسک های مالی را افزایش دهد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

در بازارهای بی ثبات، انتشار به موقع اطلاعات با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، فرایند تصمیم گیری سرمایه گذاران را بهبود می بخشد (احمد و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۹). همچنین، اعتباردهندگان برای ارزیابی توان بازپرداخت تسهیلات، به اطلاعات مالی به روز نیاز دارند؛ بنابراین، افشای سریع اطلاعات می تواند در کاهش ریسک های اعتباری مؤثر باشد (پیک و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰؛ کاستلو و ویتنبرگ - مورمن^{۱۵}، ۲۰۱۰).

افشای بهنگام اطلاعات مالی علاوه بر افزایش شفافیت، موجب کاهش هزینه های تأمین مالی و محدودسازی فرصت سوءاستفاده از اطلاعات نهانی می شود (بال و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۲؛ گیل و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۰). در این زمینه، نقش نهادهای نظارتی مانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار در الزام شرکت ها به رعایت مهلت های افشا بسیار کلیدی است؛ چرا که به تقویت شفافیت بازار و ایجاد فضای رقابتی منصفانه منجر می شود (بال^{۱۸}، ۲۰۲۳؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۳). در سطح کلان اقتصادی نیز، گزارشگری سریع اطلاعات با ارائه تصویری به روز از عملکرد سازمان ها، پایداری اقتصاد را تقویت کرده و شناسایی به موقع بحران های مالی را تسهیل می سازد (گورملی

و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۱؛ ویاس، ۲۰۱۱). بااین حال، پیچیدگی‌های محیط کسب و کار، به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور، نیاز به توسعه زیرساخت‌های لازم برای تسریع گزارشگری مالی را برجسته می‌سازد.

در چارچوب نظریه نمایندگی که توسط جنسن و مک کلین^{۲۰} مطرح شده است، تضاد منافع میان سهام‌داران و مدیران به‌عنوان منشأ اصلی هزینه‌های نمایندگی شناخته می‌شود. این تضاد اغلب ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی است که می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات غیربهبینه از سوی مدیران و در نهایت، تضعیف عملکرد مالی شرکت گردد (لیسووسکی و مینیس^{۲۱}، ۲۰۲۰؛ کریستنسن و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۶؛ رویچودوری و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۹). در نظریه نمایندگی، گزارشگری مالی ابزاری کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهام‌داران تلقی می‌شود. اگر اطلاعات مالی با تأخیر یا تحریف منتشر شود، سهام‌داران نمی‌توانند عملکرد واقعی مدیران را ارزیابی کرده یا در مورد حفظ یا برکناری آن‌ها تصمیم آگاهانه بگیرند. این موضوع باعث افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. به‌موقع بودن گزارشگری مالی با کاهش فاصله زمانی بین عملکرد واقعی و افشای آن، ابزار کنترلی برای مهار رفتار فرصت‌طلبانه مدیران فراهم می‌کند و نقش مهمی در کاهش این هزینه‌ها دارد.

برای مثال، مدیران ممکن است به دلایل شخصی مانند حفظ موقعیت شغلی یا کسب پاداش، اطلاعات مالی را دست‌کاری کرده یا عملکرد ضعیف شرکت را پنهان کنند، امری که به طور مستقیم شفافیت و به‌موقع بودن گزارشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بدارد و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۴؛ ادمز و لیو^{۲۵}، ۲۰۱۰). در مقابل، گزارشگری بهنگام با تقویت شفافیت اطلاعاتی، امکان نظارت مؤثر سهام‌داران بر عملکرد مدیران را فراهم کرده و هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد (هوپ و توماس^{۲۶}، ۲۰۰۸). همچنین، ارائه گزارش‌های فصلی مکرر به سهام‌داران این فرصت را می‌دهد که انحرافات مدیریتی را به‌سرعت شناسایی و کنترل نمایند (دانار و همکاران^{۲۷}، ۲۰۱۸).

حاکمیت شرکتی به‌عنوان ابزاری ساختاری برای کاهش تضاد منافع و محدودسازی هزینه‌های نمایندگی، منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (ارواحی و رجایی‌زاده، ۱۴۰۱؛ نیک‌بخت و احمد خان‌بیگی، ۱۳۹۷؛ باکو^{۲۸}، ۲۰۱۸). حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود به‌موقع بودن گزارشگری مالی ایفا کند (ماتووا و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۹؛ سیلویریانی^{۳۰}، ۲۰۲۲؛ گرامی و همکاران، ۱۴۰۲). برای نمونه، هیئت‌مدیره مستقل با نظارت بر فعالیت‌های مدیریتی، از تحریف اطلاعات مالی جلوگیری کرده و تضمین می‌کند که گزارش‌ها با دقت و در زمان مقرر منتشر شوند (فن و همکاران^{۳۱}، ۲۰۲۰). کمیته‌های حسابرسی نیز از طریق بررسی فرایندهای گزارشگری، زمان‌بندی و کیفیت افشا را بهبود می‌بخشند (مرادی و جودکی، ۱۴۰۲؛ کاستلو و ویتنبرگ - مورمن، ۲۰۱۰؛ ابوت و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۵). افزون بر آن، قراردادهای شرطی در بدهی‌ها، مدیران را ملزم به افشای دقیق و به‌موقع اطلاعات می‌سازند که این موضوع به بهبود کارایی قراردادهای مالی و کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ بوزانیچ و همکاران^{۳۳}، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، گزارشگری به‌موقع با کاهش امکان

پنهان کاری، احتمال دست کاری سود را نیز کاهش می دهد (عبدالرحیم و همکاران^{۳۴}، ۲۰۲۲؛ جونغ و همکاران^{۳۵}، ۲۰۱۴).

نقش حاکمیت شرکتی در ارتقای به موقع بودن گزارشگری، همچنین از طریق تقویت سازوکارهای نظارتی نظیر حسابرسی مستقل و کنترل های داخلی مشهود است (فردریکسون و همکاران^{۳۶}، ۲۰۲۰). مقررات نظارتی، مانند قانون ساربنز-آکسلی، با الزام شرکت ها به بهبود سیستم های کنترل داخلی، مدیران را به ارائه گزارش های دقیق و به موقع ملزم می کنند (وانگ^{۳۷}، ۲۰۱۰؛ لی و همکاران^{۳۸}، ۲۰۱۴). افزون بر این، سازوکارهای حاکمیتی که منافع مدیران و سهام داران را هم راستا می سازند، با مهار پنهان کاری اطلاعات، فرایند گزارشگری را بهبود می دهند (دیمیتروف و جین^{۳۹}، ۲۰۱۱). با وجود این شواهد، نقش حاکمیت شرکتی در بهبود به موقع بودن گزارشگری مالی، به ویژه در شرکت هایی با ساختارهای پیچیده مالکیتی یا در بازارهای کمتر توسعه یافته، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای نظارتی بر زمان بندی و شفافیت افشای اطلاعات مالی، به پژوهش های بیشتر نیاز دارد. براین اساس، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می شود:

فرضیه اول: کیفیت حاکمیت شرکتی با به موقع بودن گزارشگری مالی ارتباط دارد.

۲-۲- نقش تعدیلگری کیفیت حسابرسی داخلی در ارتباط میان حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی

حسابرسی داخلی به عنوان یک عنصر کلیدی سیستم حاکمیت شرکتی، نقش مهمی در ارائه اطمینان از کارآمدی سیستم حاکمیت شرکتی، کنترل های داخلی و مدیریت ریسک ایفا می کند. حسابرسی داخلی، بازدارنده زیر پا گذاشتن کنترل های داخلی و مانعی مؤثر برای تقلب مدیر است (خجسته و وادی زاده، ۱۴۰۰). کوهن و همکاران^{۴۰} (۲۰۰۲) بیان کردند که حسابرسی داخلی با کیفیت می تواند اعتبار گزارش های مالی را افزایش داده و افشای به موقع اطلاعات را تسهیل کند. بیزلی و همکاران^{۴۱} (۲۰۰۹) نشان دادند که کیفیت حسابرسی داخلی مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و کنترل را کاهش می دهد. فان و ونگ^{۴۲} (۲۰۰۴) نیز تأکید کردند که کنترل های داخلی مؤثر و حسابرسی داخلی با کیفیت می توانند مدیریت سود را کاهش داده و فرهنگی مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی ایجاد کنند.

این امر به موقع بودن گزارشگری مالی را تقویت می کند؛ زیرا شرکت هایی که اطلاعات مالی خود را دقیق می دانند، کمتر تمایل به تأخیر در افشای اطلاعات دارند. ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی داخلی و به موقع بودن گزارشگری مالی با یافته های دفوند و همکاران^{۴۳} (۲۰۰۵) تقویت می شود. آن ها نشان دادند که بازار سرمایه به انتصاب متخصصان حسابداری به کمیته های حسابرسی واکنش مثبت نشان می دهد. این واکنش حاکی از تأثیر کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اعتماد ذی نفعان به به موقع بودن افشای اطلاعات است.

همرزلی و همکاران^{۴۴} (۲۰۰۷) رابطه کیفیت حسابرسی داخلی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی را در چارچوب الزامات نظارتی بررسی کردند. تصویب قانون ساربنز-آکسلی برای تقویت کنترل‌های داخلی و ارتقای کیفیت فرایند حسابرسی نقش مهمی ایفا کرد. کوهن و همکاران (۲۰۱۰) با بررسی تأثیرات این قانون، به بهبود عملکرد حسابرسی داخلی اشاره کردند و آن را عاملی کلیدی برای به‌موقع بودن و دقت گزارشگری مالی دانستند.

چارچوب نظارتی، اهمیت کیفیت حسابرسی داخلی را به‌عنوان متغیر تعدیلگر برجسته می‌کند. نقش حسابرسی داخلی در ارتقای به‌موقع بودن گزارشگری مالی، به‌ویژه در سازمان‌های پیچیده، بسیار مهم است. باکستر و همکاران^{۴۵} (۲۰۱۳) تأکید کردند که پیچیدگی‌های سازمانی نیازمند حسابرسی داخلی قدرتمند برای مدیریت گزارشگری مالی است. یافته‌های گدهامی و پیتمن^{۴۶} (۲۰۰۶) نیز تأیید کردند که شرکت‌هایی با کنترل‌های داخلی قوی، بهتر می‌توانند الزامات گزارشگری مالی به‌موقع را برآورده کنند.

کیفیت حاکمیت شرکتی به طور مستقیم با اثربخشی کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک مرتبط است. چارچوب قوی حاکمیت شرکتی، شفافیت و صداقت در گزارشگری مالی را تضمین می‌کند و حسابرسی داخلی نقش مهمی در این میان دارد. ویاس و همکاران^{۴۷} (۲۰۱۱) دریافتند که شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، توانایی بیشتری در شناسایی زیان‌ها و گزارش به‌موقع نتایج مالی دارند. ابوت و همکاران (۲۰۱۵) بر نقش حسابرسی داخلی در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و شناسایی ریسک‌های مرتبط تأکید کردند. آن‌ها نشان دادند کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی که با استقلال و صلاحیت حرفه‌ای مشخص می‌شود، برای دقت و به‌موقع بودن اطلاعات مالی ضروری است.

پینکوس و همکاران^{۴۸} (۲۰۱۷) نشان دادند که کیفیت بالای حسابرسی داخلی می‌تواند اتکای حسابرس مستقل به یافته‌های حسابرسی داخلی را افزایش داده و فرایند گزارشگری مالی را تسهیل کند. تعامل بین کیفیت حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر بسزایی دارد. کاسل و همکاران^{۴۹} (۲۰۱۸) به این موضوع اشاره کردند که ساختارهای قوی حاکمیت شرکتی اثربخشی حسابرسی داخلی را تقویت کرده و مسائل مرتبط با گزارشگری مالی را سریع‌تر شناسایی و رفع می‌کند. کاستلو و ویتنبرگ - مورمن (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که کیفیت حسابرسی داخلی می‌تواند تأثیر حاکمیت شرکتی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را تعدیل کند.

علاوه بر تأثیرات مستقیم، تعامل بین کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت حسابرسی مستقل نیز اهمیت دارد. فیتزجرالد و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که همکاری بین حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل می‌تواند مسائل حسابرسی را سریع‌تر حل کرده و به گزارشگری مالی به‌موقع دست یابد. این همکاری برای بهینه‌سازی به‌موقع بودن گزارشگری مالی ضروری است.

اگرچه پژوهش‌های بسیاری تأثیر مثبت حسابرسی داخلی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را تأیید کرده‌اند اما برخی از مطالعات نشان داده‌اند که این تأثیر ممکن است محدود باشد.

به عنوان مثال، شاه منصوریان و مران جوری (۱۳۹۷) دریافتند که هیچ رابطه معناداری بین وجود واحد حسابرسی داخلی و دوره تصدی مدیرعامل با به موقع بودن گزارشگری مالی وجود ندارد. همچنین، محسنی نیا و باباجانی (۱۳۹۹) نشان دادند که کیفیت حسابرسی داخلی تأثیری معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی ندارد.

با وجود مطالعات متعدد جهانی در زمینه تأثیر حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن گزارشگری مالی، در ایران پژوهش های محدودی به این موضوع پرداخته اند. با این حال، بررسی هم زمان نقش تعدیلگری کیفیت حسابرسی داخلی در این رابطه، به ویژه در بازار سرمایه ایران که با ویژگی هایی مانند تمرکز مالکیت، پیچیدگی های ساختار شرکتی، و محدودیت های نظارتی مواجه است، به عنوان یک خلأ پژوهشی برجسته باقی مانده است. نتایج متناقض برخی مطالعات داخلی (مانند شاه منصوریان و مران جوری، ۱۳۹۷؛ محسنی نیا و باباجانی، ۱۳۹۹) نیز ضرورت بررسی دقیق تر این نقش را در چارچوب بومی ایران نشان می دهد. این پژوهش با تمرکز بر نقش تعدیلگری کیفیت حسابرسی داخلی، به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه شواهد جدیدی در این زمینه است. در سال های اخیر عوامل گوناگونی برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی داخلی در نظر گرفته شده است و از بین آن ها اندازه و سن کارکرد و سطح تحصیلات مدیر حسابرسی داخلی از جمله عواملی هستند که در ادبیات پیشین به دفعات مورد مطالعه قرار گرفته اند (ال مطاری و مگمل^۵، ۲۰۱۹؛ ولی زاده لاریجانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ حقیقت شهرستانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ محسنی نیا و همکاران، ۱۳۹۹).

حسابرسی داخلی با اندازه بزرگ تر، با منابع بیشتر و تجربه گسترده تر، توانایی بالاتری در شناسایی انحرافات و بهبود کیفیت حسابرسی دارد (بیلز و همکاران^۶، ۲۰۱۵؛ فرانسیس و همکاران^۷، ۲۰۱۳؛ گودوین و وو^۸، ۲۰۱۵). حسابرسی داخلی بزرگ تر می تواند بار کاری را بهتر مدیریت کرده و فشار بر تیم ها را کاهش دهد (پرسلین و همکاران^۹، ۲۰۱۹). پژوهش ها نیز نشان داده اند که حسابرسی داخلی بزرگ تر، توانایی مدیریت حسابرسی های پیچیده و ارائه نظارت دقیق تر را دارد (گولدی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۷؛ ریچلت و وانگ^{۱۱}، ۲۰۱۰).

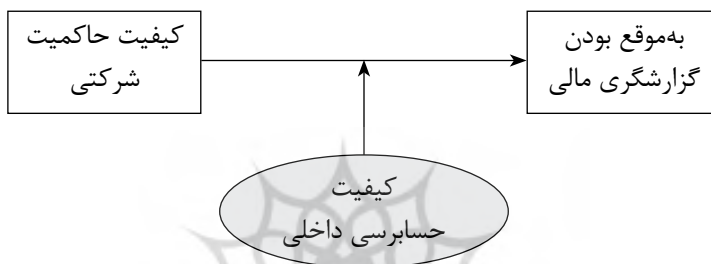
سن حسابرسی داخلی نیز به عنوان عاملی کلیدی در کیفیت آن شناخته می شود. حسابرسی داخلی با قدمت بیشتر، به دلیل فرایندهای مستقرتر و کارکنان باتجربه تر، کیفیت بالاتری دارد (بن یوسف و دریر^{۱۲}، ۲۰۱۹). حسابرسان باتجربه، با شناخت عمیق تر از عملیات شرکت، می توانند از مدیریت سود جلوگیری کرده و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشند (ایگه و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۲). همچنین، استقلال و صلاحیت حسابرسی داخلی با افزایش سن و تجربه ارتقا می یابد (آبوت و همکاران، ۲۰۱۵). فلیکس و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۵) نیز نشان داده اند که تجربه و بلوغ واحد حسابرسی داخلی، اعتماد حسابرسان مستقل و کیفیت خدمات حسابرسی را افزایش می دهد.

همچنین مطالعات نشان داده اند که تحصیلات بالاتر مدیران، با کیفیت بالاتر حسابرسی داخلی مرتبط است. حسابرسان داخلی با تحصیلات بالاتر توانایی بیشتری در تحلیل محیط های مالی پیچیده و اجرای استانداردهای حسابرسی دارند (بک و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۷). شایستگی حسابرسان

داخلی که با تحصیلات مرتبط است، عامل مهمی در کیفیت حسابرسی داخلی محسوب می‌شود (پلان و همکاران^{۶۱}، ۲۰۱۷).

در این پژوهش به دلیل افشای منظم این اطلاعات در سامانه کدال، از این متغیرها برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی داخلی استفاده می‌شود؛ بنابراین، بر اساس مفاهیمی که در بالا ذکر شد، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی داخلی ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی را تعدیل می‌نماید.
مدل مفهومی این پژوهش در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ طبق شرایط زیر است:

۱. تا قبل از سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. مجموعه کامل صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت در دسترس باشند.
۳. به دلیل تفاوت در افشای اطلاعات مالی، از جمله شرکت‌های صنعت مالی شامل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بیمه‌ها و لیزینگ نباشند.
۴. طی سال‌های مذکور تغییر سال مالی و توقف فعالیت نداشته باشند.
۵. اطلاعات آن‌ها طی دوره پژوهش در دسترس باشند.

شرکت‌های مالی (بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها) به دلیل تفاوت‌های اساسی در ساختار گزارشگری مالی و الزامات نظارتی از نمونه حذف شدند. این اقدام برای اطمینان از یکنواختی داده‌ها و قابلیت مقایسه نتایج ضروری بود. اگرچه این حذف ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به صنعت مالی را محدود کند، اما تمرکز بر شرکت‌های غیرمالی که بخش عمده بورس اوراق بهادار تهران را تشکیل می‌دهند، همچنان امکان تعمیم نتایج به این

دسته از شرکت ها را فراهم می کند.

جدول (۱): غربالگری و پالایش نمونه پژوهش

۵۵۹	جامعه آماری در سال ۱۴۰۲
(۱۶۹)	کسر می شود: شرکت های لغو پذیرش شده
(۸۵)	کسر می شود: شرکت هایی که تغییر سال مالی یا توقف فعالیت داشته اند.
(۳۲)	کسر می شود: شرکت هایی که بعد از سال ۱۳۹۵ در بورس پذیرش شده اند
(۱۰۰)	کسر می شود: شرکت های صنعت مالی
(۶۴)	شرکت هایی که اطلاعات مورد نیاز آن ها در دسترس نبود
۱۰۹	جامعه در دسترس

پس از اعمال شرایط بالا، ۱۰۹ شرکت طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ به عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب می شوند. بر اساس قواعد تجربی در تحلیل های رگرسیون لجستیک، حداقل ۱۰ مشاهده به ازای هر متغیر مستقل برای جلوگیری از بیش برآزش توصیه می شود (پدووزی و همکاران^{۶۲}، ۱۹۹۶). در این پژوهش، باتوجه به تعداد متغیرهای مستقل و کنترلی (حداکثر ۶ متغیر در مدل ۲)، حداقل ۶۰ مشاهده مورد نیاز بود، درحالی که ۸۷۲ مشاهده در دسترس قرار داشت که به مراتب بیشتر از این حداقل است. علاوه بر این، برای اطمینان از کفایت حجم نمونه، از روش تعیین قدرت آماری استفاده شد که نشان داد با حجم نمونه فعلی، قدرت آزمون بالای ۸۰ درصد برای تشخیص اثرات معنادار در سطح خطای ۰.۰۵ به دست می آید.

تمامی اطلاعات مورد نیاز پژوهش به صورت دستی از سامانه کدال و صورت های مالی حسابرسی شده استخراج گردید. باتوجه به اینکه هدف از اجرای پژوهش، مطالعه میزان تأثیر یک متغیر تعدیلگر، برآورد ضریب متغیرهای تحت بررسی و در نهایت ارائه مدل برای پیش بینی است و همچنین به دلیل دودویی (باینری) بودن متغیر وابسته پژوهش، از داده های پانل و رگرسیون لجستیک چندگانه استفاده شده است.

۲-۳- مدل آزمون فرضیه ها و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه ها به ترتیب از مدل های ۱ و ۲ به شرح زیر استفاده گردید:

مدل (۱)

$$\text{Logit}(\text{TFR}_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \text{CGQ}_{it} + \sum \beta_n \text{Controls}_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$\text{Logit}(\text{TFR}_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \text{CGQ}_{it} + \beta_2 \text{IAUQ}_{it} + \beta_3 \text{CGQ}_{it} * \text{IAUQ}_{it} + \sum \beta_n \text{Controls}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه TFR_{it} بیانگر به موقع بودن گزارشگری مالی، CGQ_{it} کیفیت حاکمیت شرکتی، IAUQ_{it} کیفیت حسابرسی داخلی و Controls_{it} نشان دهنده متغیرهای کنترلی است. در ادامه

در خصوص هر یک از این متغیرها توضیحات بیشتری ارائه می‌گردد.

۳-۲-۱- به‌موقع بودن گزارشگری مالی (TFR)

به‌موقع بودن گزارشگری مالی به معنای ارائه اطلاعات در زمان مناسب برای تصمیم‌گیری است. برای سنجش آن، ابتدا میانگین تاریخ افشای صورت‌های مالی هر سال محاسبه شد. سپس، شرکت‌ها به‌صورت دودویی امتیازدهی شدند: تاریخ افشا دیرتر از میانگین (امتیاز صفر) و مساوی یا زودتر از میانگین (امتیاز یک) (بوهیان و همکاران^{۶۳}، ۲۰۲۴).

۳-۲-۲- کیفیت حاکمیت شرکتی (CGQ)

کیفیت حاکمیت شرکتی نشان‌دهنده اثربخشی سیستم در حفاظت از منافع ذی‌نفعان است. برای سنجش آن، چک‌لیستی شامل ۲۳ سؤال کاملاً متکی بر دستورالعمل حاکمیت شرکتی بورس اوراق بهادار تهران (۱۴۰۱) طراحی و به شرکت‌ها امتیازدهی شد. هر سؤال با رعایت الزام (امتیاز یک) یا عدم رعایت آن (امتیاز صفر) ارزیابی گردید و با جمع‌بندی امتیازات، شاخص کلی کیفیت حاکمیت شرکتی محاسبه شد.

۳-۲-۳- کیفیت حسابرسی داخلی (IAUQ)

برای سنجش کیفیت حسابرسی داخلی، از سه شاخص سن و اندازه واحد حسابرسی داخلی و تحصیلات مدیر آن استفاده شد. سن حسابرسی داخلی از زمان شروع فعالیت مستمر واحد تا زمان ارزیابی محاسبه می‌شود. اندازه واحد به تعداد کارکنان آن واحد اشاره دارد. تحصیلات مدیر نیز از طریق رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی وی ارزیابی می‌شود. برای محاسبه شاخص‌های سن و اندازه، میانگین آن‌ها در نمونه محاسبه و به واحدهای بالاتر یا پایین‌تر از میانگین امتیاز یک یا صفر اختصاص یافت. برای شاخص تحصیلات، در صورتی که مدیر تحصیلات مالی با مقطع کارشناسی‌ارشد یا دکتری داشته باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر داده شد. در نهایت، با ترکیب این شاخص‌ها، شاخص کلی کیفیت حسابرسی داخلی محاسبه شد (المطاری و مگمل، ۲۰۱۹؛ ولی‌زاده لاریجانی و همکاران، ۲۰۲۱).

۳-۲-۴- متغیرهای کنترلی (CONTROLS)

متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر هستند:

اندازه شرکت (size) معادل لگاریتم طبیعی فروش آن است. رابطه میان اندازه شرکت و به‌موقع بودن گزارشگری مالی متناقض است. طبق مطالعه رایس و وبر^{۶۴} (۲۰۱۲)، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل ساختار پیچیده‌تر ممکن است گزارشگری مالی را به تأخیر اندازند، درحالی‌که طبق مطالعه انگل^{۶۵} (۲۰۱۰)، در این شرکت‌ها به دلیل تقاضای بیشتر برای نظارت، گزارشگری به‌موقع انجام می‌شود. بااین‌حال، اندازه شرکت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر دارد.

اهرم (lev) برابر با بدهی های بلندمدت تقسیم بر جمع دارایی ها است. سطح بالای بدهی می تواند محدودیت های مالی برای شرکت ها ایجاد کرده و توانایی آن ها در رعایت الزامات گزارشگری به موقع را تحت تأثیر قرار دهد. شرکت هایی با بدهی بالا، برای مدیریت جریان نقدینگی به عنوان اولویت اصلی تمرکز کرده و ممکن است از گزارشگری به موقع غافل شوند، به ویژه زمانی که فشارهای ناشی از تعهدات افزایش یابد (رحمان^{۶۶}، ۲۰۱۹). همچنین، این شرکت ها به دلیل انعطاف پذیری مالی کمتر، در تخصیص منابع برای گزارشگری به موقع با چالش مواجه اند (مارچیکا و مورا^{۶۷}، ۲۰۱۰).

سودآوری شرکت (prof) برابر با نسبت سود خالص به کل دارایی ها است. شرکت های با سودآوری بالا تمایل کمتری به مدیریت سود تهاجمی دارند و به طور کلی به دقت و به موقع بودن افشای اطلاعات مالی اهمیت بیشتری می دهند (فرانسیس و مارتین^{۶۸}، ۲۰۱۰؛ دجو و همکاران^{۶۹}، ۲۰۱۰).

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

در این قسمت آماره های توصیفی مربوط به ۱۰۹ شرکت نمونه طی سال های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ که در مجموع ۸۷۲ سال-شرکت است در جدول (۲) ارائه شده اند.

جدول (۲): آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGQ	۰٫۶۶	۰٫۶۴	۰٫۹۶	۰٫۳۸	۰٫۱۲
کیفیت حسابرسی داخلی	IAUQ	۲٫۳۷	۲٫۰۰	۴٫۰۰	۱٫۰۰	۰٫۹۴
اندازه شرکت	SIZE	۱۵٫۵۶	۱۵٫۳۶	۱۹٫۲۳	۱۲٫۸۷	۱٫۷۱
سودآوری	PROF	۱۶٫۷۵	۱۳٫۹۳	۴۴٫۶۸	-۴٫۶۷	۱۴٫۲۳
اهرم مالی	LEV	۰٫۵۲	۰٫۵۳	۰٫۸۸	۰٫۱۶	۰٫۲۰

میانگین کیفیت حاکمیت شرکتی ۰/۶۶ است که نشان دهنده سطح نسبتاً مطلوبی از حاکمیت شرکتی در شرکت های مورد مطالعه است. دامنه تغییرات بین ۰/۳۸ تا ۰/۹۶ حاکی از تفاوت های چشمگیر در این زمینه است. لازم به ذکر است که عدم الزام به اجرای دستورالعمل های حاکمیت شرکتی در سال های ابتدایی دوره پژوهش می تواند عامل این پراکندگی باشد. انحراف معیار ۰/۱۲ نشان دهنده شباهت سطح حاکمیت شرکتی در بیشتر شرکت ها، ولی وجود نقاط ضعف در برخی از آن ها است. میانگین کیفیت حسابرسی داخلی ۲/۳۷ است که نشان دهنده سطح نسبتاً بالای کیفیت حسابرسی داخلی در شرکت هاست، ولی انحراف معیار ۰/۹۴ تفاوت های قابل توجهی در این کیفیت بین شرکت ها نشان می دهد. برای کاهش اثر داده های پرت، داده ها در ۱ و ۹۹ درصد وینزوری شده اند.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیر به‌موقع بودن گزارشگری مالی

مقدار TFR	شرح	فراوانی	درصد
۰	گزارشگری با تأخیر (دیرتر از میانگین)	۴۴۹	۵۱.۵٪
۱	گزارشگری به‌موقع (زودتر یا برابر میانگین)	۳۴۲	۴۸.۵٪
جمع	—	۸۷۲	۱۰۰٪

پیش از انجام مقایسه بین مدل‌ها ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با آزمون لوین، لین و چو بررسی شده است. نتایج آزمون پایایی در جدول (۴) نشان می‌دهد که تمامی متغیرها دارای پایایی لازم هستند.

جدول (۴): نتایج آزمون‌های پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره لوین، لین و چو	معناداری	نتیجه
TFR	-۷	۰/۰۰۰	پایا
CGQ	-۳۴	۰/۰۰۰	پایا
IAUQ	-۳۷	۰/۰۰۰	پایا
SIZE	-۱۸	۰/۰۰۰	پایا
PROF	-۱۴	۰/۰۰۰	پایا
LEV	-۱۷	۰/۰۰۰	پایا

برای بررسی نقض فروض کلاسیک، از آزمون‌های ویگینز - پوی (برای ناهمسانی واریانس) و براش گادفری (برای عدم خودهمبستگی) استفاده شده است. نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که هر دو مدل فاقد ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی هستند. همچنین، بررسی عدم هم‌خطی چندگانه در مدل‌ها نتایج مطلوبی را نشان داد که نتایج آن در جداول برازش مدل‌ها ارائه شده است. پس از برآورد نهایی مدل‌ها، باقیمانده‌ها از نظر صفر بودن میانگین و نرمال بودن توزیع آزمون شدند که نتایج نشان می‌دهد فرض صفر بودن میانگین تأیید شده و توزیع باقیمانده‌ها نرمال است. سپس، نتایج برآورد نهایی مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و آزمون عدم خودهمبستگی

مدل	آزمون	سطح معناداری آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	ناهمسانی واریانس	۰/۹۹۱	عدم وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۲)	ناهمسانی واریانس	۰/۹۹۴	عدم وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۱)	عدم خودهمبستگی	۰/۳۱۷	عدم وجود خودهمبستگی
مدل (۲)	عدم خودهمبستگی	۰/۲۱۷	عدم وجود خودهمبستگی

۴-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۴-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول، از نتایج برازش مدل (۱) استفاده شده که در جدول (۶) ارائه گردیده است. باتوجه به محدود بودن متغیر وابسته (متغیر مجازی با مقادیر صفر و یک)، از رگرسیون لجستیک و برآوردگر لاجیت استفاده شده است. در داده‌های ترکیبی، نیازی به آزمون‌های تشخیصی نیست و تنها آزمون‌های نقض فروض کلاسیک کافی است (افلاطونی، ۱۴۰۱).

در فرضیه اول ارتباط بین به کیفیت حاکمیت شرکتی و موقع بودن گزارشگری مالی بررسی شده است. سطح معناداری آماره Z برای این متغیر ۰/۰۰۰۰ است که کوچکتر از سطح خطای آزمون ۰/۰۱ است در نتیجه فرض صفر آزمون رد و فرض مقابل در سطح معناداری ۰/۹۹ پذیرفته می‌شود که بیانگر عدم رد فرضیه پژوهشی اول است. همچنین باتوجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی می‌توان بیان کرد نوع رابطه مثبت است؛ یعنی با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، احتمال به موقع بودن گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد.

در رابطه با متغیرهای کنترلی نیز سودآوری و اهرم مالی با به موقع بودن گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنادار دارند. شرکت‌های سودآور به دلیل انگیزه‌های قوی‌تر برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، گزارشگری به موقع دارند. همچنین، شرکت‌های با اهرم مالی بالاتر، تحت فشار اعتباردهندگان برای رعایت الزامات نظارتی، به ارائه به موقع گزارش‌ها تمایل بیشتری نشان می‌دهند. همچنین اندازه شرکت با به موقع بودن گزارشگری مالی رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته می‌تواند به پیچیدگی‌های عملیاتی شرکت‌های بزرگ‌تر مرتبط باشد که فرایندهای گزارشگری مالی را زمان‌بر می‌کنند.

جدول (۶): نتایج برازش مدل (۱) به روش لاجیت

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	معناداری آماره Z	آماره VIF
CGQ	۳،۱۰۶	۰،۶۹۸	۴،۴۵۲	۰،۰۰۰۰	۱،۱۶
SIZE	-۰،۶۱۷	۰،۰۵۹	-۱۰،۳۴۹	۰،۰۰۰۰	۱،۲۵
PROF	۰،۰۵۹	۰،۰۰۷	۷،۹۱۹	۰،۰۰۰۰	۱،۶۳
LEV	۴،۲۴۰	۰،۵۱۳	۸،۲۷۲	۰،۰۰۰۰	۱،۵۱
عرض از مبدأ	۴،۲۷۷	۰،۸۰۷	۵،۲۹۸	۰،۰۰۰۰	-
ضریب مک فادن	۰/۱۵	درصد صحت پیش‌بینی			
آماره LR	۱۷۹/۹۱	معناداری آماره LR			
آماره هاسمر لمشو	۹/۴۳۲	معناداری آماره هاسمر لمشو			
آماره اندروز	۹/۶۲۷	معناداری آماره اندروز			

۲-۴- نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، از نتایج برازش مدل (۲) استفاده شده که در جدول (۷) ارائه گردیده است. مدل (۲) نیز مشابه مدل (۱) با استفاده از رگرسیون لجستیک و برآوردگر لاجیت برازش شده است. فرضیه دوم تأثیر تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی را بررسی می‌کند. باتوجه‌به سطح معناداری آماره Z برای متغیر تعاملی (CGQ×IAUQ) که برابر با ۰.۵۳۲۹ است ($p > 0.05$)، اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی داخلی بر این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. برای بررسی اثر تعدیل‌گری یک متغیر (گسسته)، معناداری ضریب رگرسیونی متغیر تعاملی شرط اصلی است (حصارزاده، ۱۴۰۲).

جدول (۷): نتایج برازش مدل (۲) به روش لاجیت

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	معناداری آماره Z	آماره VIF
CGQ	۰.۳۷۸	۰.۰۸۵	۴.۴۴۵	۰.۰۰۰۰	۱.۱۵
IAUQ	-۰.۱۴۲	۰.۰۸۹	-۱.۶۰۷	۰.۱۰۷۹	۱.۱۷
CGQ*IAUQ	-۰.۰۵۳	۰.۰۸۵	-۰.۶۲۴	۰.۵۳۲۹	۱.۰۰
SIZE	-۰.۵۸۵	۰.۰۶۳	-۹.۳۵۲	۰.۰۰۰۰	۱.۴۳
PROF	۰.۰۵۹	۰.۰۰۷	۷.۸۴۷	۰.۰۰۰۰	۱.۷۴
LEV	۴.۲۳۸	۰.۵۱۳	۸.۲۶۰	۰.۰۰۰۰	۱.۶۴
عرض از مبدأ	۵.۸۲۷	۰.۹۰۲	۶.۴۶۳	۰.۰۰۰۰	-
ضریب مک فادن	۰/۱۵	درصد صحت پیش‌بینی	۶۸/۳۱		
آماره LR	۱۸۲/۹۱۹	معناداری آماره LR	۰/۰۰۰۰		
آماره‌هاسمر لمشو	۹/۱۰۴	معناداری آماره‌هاسمر لمشو	۰/۳۳۳۵		
آماره اندروز	۱۳/۵۹۸	معناداری آماره اندروز	۰/۱۹۲۱		

۵- بحث و نتیجه‌گیری

از آنجاکه به‌موقع بودن گزارشگری مالی یکی از ارکان مهم شفافیت و پاسخگویی شرکت‌هاست، تأخیر در گزارشگری مالی به طور بالقوه به پنهان‌سازی وضعیت واقعی مالی شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و ذی‌نفعان منجر می‌شود و در نتیجه به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش هزینه‌های مالی می‌انجامد. از سوی دیگر، بر اساس پژوهش‌های گذشته حاکمیت شرکتی قوی‌تر، موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی شامل به‌موقع بودن و دقت بیشتر می‌گردد. حسابرسی داخلی باکیفیت نیز از یک سو به طور قابل‌توجهی بر به‌موقع بودن و قابلیت اعتماد گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر از طریق تقویت اعتبار گزارش‌های مالی، به

افزایش اعتماد و اطمینان ذی نفعان به مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌انجامد؛ بنابراین، انجام مطالعه‌ای پیرامون تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن گزارشگری مالی از یک سو و بررسی تأثیر تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی داخلی بر این رابطه ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، این پژوهش با هدف پاسخ به این دو پرسش انجام شده است: (۱) آیا ارتباطی میان کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی وجود دارد و جهت آن در صورت وجود چگونه است؟ و (۲) آیا کیفیت حسابرسی داخلی می‌تواند این ارتباط را تعدیل نماید؟

نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهند که اجرای درست و باکیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر زمان‌بندی گزارشگری مالی این شرکت‌ها تأثیر بسزایی دارد به طوری که هرچه کیفیت حاکمیت شرکتی بالاتر باشد گزارشگری مالی شرکت‌ها نیز به موقع خواهد بود. این یافته از منظر نظریه نمایندگی قابل تفسیر است، زیرا مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی، با تقویت پاسخگویی مدیران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی نفعان، انگیزه‌های مدیران را برای ارائه به موقع گزارش‌های مالی افزایش می‌دهند. در واقع، حاکمیت شرکتی مؤثر به عنوان یک ابزار نظارتی عمل می‌کند که تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را کاهش داده و شفافیت مالی را تقویت می‌کند؛ بنابراین نظریه نمایندگی در این خصوص در شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق تأیید گردید. این نتایج با نتایج گرمای و همکاران (۱۴۰۲) و سیلویریانی‌تی (۲۰۲۲) و موتو ماتووا و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. از طرفی دیگر، به موقع بودن یکی از معیارهای شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی است. از این رو نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ارواحی و رجایی‌زاده (۱۴۰۱) و نیک‌بخت و احمدخان بیگی (۱۳۹۷) و باکو (۲۰۱۸) نیز مطابقت دارد.

برخلاف پژوهش‌های گذشته که نشان داده بودند حسابرسی داخلی باکیفیت بر به موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۰؛ ابوت و همکاران، ۲۰۱۵)، نتایج این پژوهش نشان دادند شرکت‌هایی که حسابرسی داخلی باکیفیت‌تری دارند، لزوماً گزارشگری مالی به موقع ندارند. به عبارتی دیگر، کیفیت حسابرسی داخلی هیچ تأثیری بر به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش ندارد. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی داخلی هیچ نقش تعدیل‌گری بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی ایفا نمی‌کند. عدم تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی و نقش تعدیل‌گری آن ممکن است به چند عامل مرتبط باشد. نخست، در شرکت‌های مورد مطالعه، حسابرسی داخلی احتمالاً بیشتر بر وظایف نظارتی سنتی (مانند انطباق با قوانین) متمرکز بوده و نقش استراتژیکی در بهبود فرایندهای گزارشگری مالی ایفا نکرده است. این موضوع با نظریه نمایندگی که بر اهمیت هماهنگی بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی برای کاهش مشکلات نمایندگی تأکید دارد و نتایج حاصل از پژوهش شاه منصوریان و مران جوری (۱۳۹۷) و محسنی‌نیا و باباجانی (۱۴۰۰) همسو است. دوم، معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی داخلی استفاده شده در این پژوهش ممکن است تمام ابعاد اثربخشی این فرایند، مانند استقلال، منابع مالی یا صلاحیت حرفه‌ای واحد حسابرسی

داخلی را به طور کامل پوشش نداده باشند. برای مثال، در مطالعات پیشین مانند ابوت و همکاران (۲۰۱۵)، استقلال و صلاحیت حرفه‌ای کارکنان واحد حسابرسی داخلی به عنوان عوامل کلیدی کیفیت حسابرسی داخلی برجسته شده‌اند، درحالی‌که این پژوهش به دلیل محدودیت‌های اطلاعاتی، بر شاخص‌های قابل دسترس در سامانه کدال تمرکز کرده است.

ارزش‌آفرینی این مطالعه به استفاده آن از نظریه نمایندگی در بررسی ارتباط میان کیفیت گزارشگری مالی و حاکمیت شرکتی به علاوه بررسی نقش تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی داخلی در این ارتباط مربوط می‌شود. همچنین، نتایج این پژوهش دارای برخی کاربردهای عملی است. باتوجه به نتایج آزمون فرضیه اول، به مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌شود مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را به صورت کامل و دقیق اجرا کنند چرا که رعایت این موضوع باعث افزایش سرعت گزارشگری اطلاعات و صورت‌های مالی می‌شود که با بهبود به موقع بودن گزارشگری مالی شاهد افزایش کیفیت اطلاعات مالی خواهند بود. از طرفی دیگر باتوجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، به اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها و حساب‌رسان داخلی توصیه می‌شود علاوه بر تمرکز بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی اقدام به برقراری و اجرای سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی کنند چرا که نتایج ما نشان داد که حسابرسی داخلی با کیفیت نتوانست جایگزین مناسبی برای سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی به خصوص بهبود به موقع بودن گزارشگری مالی باشد.

منابع

- ارواحی، سمانه، رجایی‌زاده هرندی، احسان. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۲۰(۲)، ۳۹-۵۵.
- افلاطونی، عباس. (۱۴۰۱). اقتصادسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار ایویوز (چاپ سوم). انتشارات ترمه.
- حصارزاده، رضا. (۱۴۰۲). اصول نگارش مبانی نظری و آزمون فرضیه‌های دارای متغیر تعدیل‌گر (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه فردوسی.
- حقیقت شهرستانی، خردیار، سینا، محمدی نوده، فاضل. (۱۴۰۰). تأثیر اثربخشی حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و حساب‌رس. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۹.
- خجسته، علیرضا و وادی‌زاده، کاظم. (۱۴۰۰). نقش بازدارندگی تقلب کنترل‌های داخلی و واحد حسابرسی داخلی. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۲(۵)، ۸-۵۵.
- شاه منصوریان افروز، افروز، مران جوری، مهدی. (۱۳۹۷). تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن گزارشگری مالی.
- گرامی، آمنه، حاجتی پور، امیدی، نظری. (۱۴۰۲). تاثیر حاکمیت شرکتی و برخی ویژگی‌های

شرکت بر به هنگام بودن صورت های مالی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۸۰)، ۲۶۷-۲۸۰. محسنی نیا، باباجانی، جعفر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۱۲(۴)، ۱۹-۳۸.

مرادی، مجید و جودکی، رضا. (۱۴۰۲). تأثیر فرهنگ سازمانی، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عملکرد حسابرسان. پژوهش های حسابرسی حرفه ای، ۳(۱۰)، ۷۲-۹۵.

نیک بخت، احمدخان بیگی. (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۳)، ۴۳۳-۴۵۵.

ولی زاده لاریجانی، ا.، خدایی، م.، مونا. (۱۴۰۰). اثر تعدیل کننده کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۲)، ۱-۲۲.

Abbott, L. J., Daugherty, B., Parker, S. W., & Peters, G. F. (2015). Internal audit quality and financial reporting quality: the joint importance of independence and competence. *Journal of Accounting Research*, 54(1), 3-40.

Abdel-Rahim, H., Hales, J., & Stevens, D. E. (2022). How far will managers go to look like a good steward? an examination of preferences for trustworthiness and honesty in managerial reporting†. *Contemporary Accounting Research*, 39(2), 1023-1053.

Aflatooni, Abbas. (2022). *Econometrics in Financial and Accounting Research with EViews Software*. 3rd edition, Termeh Publications, Tehran. (in persian)

Ahmed, A., Christensen, B., Olson, A., & Yuš, C. (2019). Déjà vu: the effect of executives and directors with prior banking crisis experience on bank outcomes around the global financial crisis. *Contemporary Accounting Research*, 36(2), 958-998.

Ahmed, A., Neel, M., & De-chun, W. (2013). Does mandatory adoption of ifrs improve accounting quality? preliminary evidence. *Contemporary Accounting Research*, 30(4), 1344-1372.

Al Matari, E. M., & Mgamal, M. H. (2019). The moderating effect of internal audit on the relationship between corporate governance mechanisms and corporate performance among Saudi Arabia listed companies. *Contaduría y administración*, 64(4), 9.

Anginer, D., Demirgüç-Kunt, A., Huizinga, H., & Ma, K. (2018). Corporate governance of banks and financial stability. *Journal of Financial Economics*, 130(2), 327-346.

Armstrong, C., Balakrishnan, K., & Cohen, D. (2012). Corporate governance and the information environment: evidence from state antitakeover laws. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 185-204.

Armstrong, C., Guay, W. R., & Weber, J. (2010). The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 179-234.

Arvahi, Saman, & Rajai Zadeh Herandi, Ehsan. (2022). Investigating the Impact of Corporate Governance and Internal Audit Quality on Financial Reporting Quality. *New Research Approaches in Management and Accounting Journal*, 6(20), 39-55. (in persian)

Bako, M. A. (2018). The impact of corporate governance on the quality of financial reporting in the Nigerian chemical and paint industry. *Research Journal of Finance and Accounting*, 9(7),

42-59.

BALL, R. (2023). By what criteria do we evaluate accounting? some thoughts on economic welfare and the archival literature. *Journal of Accounting Research*, 62(1), 7-54.

Ball, R., Jayaraman, S., & Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 136-166.

Bar-Hava, K. (2021). Switching to semi-annual financial statement reports - market reaction, audit fee and corporate governance quality. *Journal of Finance and Accounting*, 9(6), 249.

Baxter, R., Bedard, J., Hoitash, R., & Yezegel, A. (2013). Enterprise risk management program quality: determinants, value relevance, and the financial crisis. *Contemporary Accounting Research*, 30(4), 1264-1295.

Beasley, M. S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Neal, T. L. (2009). The audit committee oversight process*. *Contemporary Accounting Research*, 26(1), 65-122.

Beck, M. J., Francis, J. R., & Gunn, J. L. (2017). Public company audits and city-specific labor characteristics. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 394-433.

Bedard, J., Hoitash, R., & Hoitash, U. (2014). Chief financial officers as inside directors. *Contemporary Accounting Research*, 31(3), 787-817.

BenYoussef, N. & Drira, M. (2019). Auditor monitoring and restatement dark period. *International Journal of Accounting and Information Management*, 28(1), 73-95.

Berger, A., Imbierowicz, B., & Rauch, C. (2016). The roles of corporate governance in bank failures during the recent financial crisis. *Journal of Money Credit and Banking*, 48(4), 729-770.

Bhuiyan, M. B. U., Man, Y., & Lont, D. H. (2024). Audit report lag and the cost of equity capital. *Journal of Capital Markets Studies*, 8(2), 212-241.

Bills, K. L., Swanquist, Q. T., & Whited, R. L. (2015). Growing pains: audit quality and office growth. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 288-313.

Bozanic, Z., Loumioti, M., & Vasvari, F. (2017). Corporate loan securitization and the standardization of financial covenants. *Journal of Accounting Research*, 56(1), 45-83.

Cassell, C. A., Myers, L. A., Schmardebeck, R., & Zhou, J. (2018). The monitoring effectiveness of co-opted audit committees. *Contemporary Accounting Research*, 35(4), 1732-1765.

Cheung, Y., Connelly, J. T., Jiang, P., & Limpaphayom, P. (2011). Does corporate governance predict future performance? evidence from hong kong. *Financial Management*, 40(1), 159-197.

Christensen, H. B., Nikolaev, V. V., & Wittenberg-Moerman, R. (2016). Accounting information in financial contracting: the incomplete contract theory perspective. *Journal of Accounting Research*, 54(2), 397-435.

Chung, K., Elder, J., & Kim, J. (2010). Corporate governance and liquidity. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 45(2), 265-291.

Cohen, J. P., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2002). Corporate governance and the audit process*. *Contemporary Accounting Research*, 19(4), 573-594.

Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2010). Corporate governance in the post-sarbanes-oxley era: auditors' experiences*. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 751-786.

Costello, A. & Wittenberg-Moerman, R. (2010). The impact of financial reporting quality on debt contracting: evidence from internal control weakness reports. *Journal of Accounting*

Research, 49(1), 97-136.

Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: a review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 344-401.

DeFond, M. L., Hann, R. N., & Hu, X. (2005). Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors?. *Journal of Accounting Research*, 43(2), 153-193.

Dimitrov, V. & Jain, P. C. (2011). It's showtime: do managers report better news before annual shareholder meetings?. *Journal of Accounting Research*, 49(5), 1193-1221.

Downar, B., Ernstberger, J., & Link, B. (2018). The monitoring effect of more frequent disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 35(4), 2058-2081.

Doyle, J. & Magilke, M. (2013). Decision usefulness and accelerated filing deadlines. *Journal of Accounting Research*, 51(3), 549-581.

Edmans, A. & Liu, Q. (2010). Inside debt*. *Review of Finance*, 15(1), 75-102.

Ege, M., Seidel, T. A., Sterin, M., & Wood, D. A. (2022). The influence of management's internal audit experience on earnings management*. *Contemporary Accounting Research*, 39(3), 1834-1870.

Engel, E., Hayes, R., & Wang, X. (2010). Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 136-154.

Ettredge, M., Johnstone, K., Stone, M., & Wang, Q. (2011). The effects of firm size, corporate governance quality, and bad news on disclosure compliance. *Review of Accounting Studies*, 16(4), 866-889.

Fan, J. & Wong, T. (2004). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? evidence from east asia. *Journal of Accounting Research*, 43(1), 35-72.

Fan, Z., Radhakrishnan, S., & Zhang, Y. (2020). Corporate governance and earnings management: evidence from shareholder proposals*. *Contemporary Accounting Research*, 38(2), 1434-1464.

Felix, W. L., Gramling, A. A., & Maletta, M. J. (2005). The influence of nonaudit service revenues and client pressure on external auditors' decisions to rely on internal audit*. *Contemporary Accounting Research*, 22(1), 31-53.

Fitzgerald, B., Omer, T. C., & Thompson, A. H. (2018). Audit partner tenure and internal control reporting quality: u.s. evidence from the not-for-profit sector. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 334-364.

Francis, J. & Martin, X. (2010). Acquisition profitability and timely loss recognition. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 161-178.

Francis, J. R., Michas, P. N., & Yu, M. D. (2013). Office size of big 4 auditors and client restatements. *Contemporary Accounting Research*, 30(4), 1626-1661.

Fredriksson, A., Kiran, A., & Niemi, L. (2020). Reputation capital of directorships and demand for audit quality. *European Accounting Review*, 29(5), 901-926.

Gerami, A., Hajati Pour, O., Omidi, & Nazari. (2023). The impact of corporate governance and certain company characteristics on the timeliness of financial statements. *Accounting and Management Perspective*, 6(80), 267-280. (in persian)

Gillette, J., Samuels, D., & Zhou, F. (2020). The effect of credit ratings on disclosure: evidence from the recalibration of moody's municipal ratings. *Journal of Accounting Research*, 58(3), 693-739.

- Goldie, B. A., Li, L., & Masli, A. (2017). Do mutual fund investors care about auditor quality?. *Contemporary Accounting Research*, 35(3), 1505-1532.
- Goodwin, J. & Wu, D. (2015). What is the relationship between audit partner busyness and audit quality?. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 341-377.
- Gormley, T., Kim, B., & Martin, X. (2011). Do firms adjust their timely loss recognition in response to changes in the banking industry?. *Journal of Accounting Research*, 50(1), 159-196.
- Guedhami, O. & Pittman, J. (2006). Ownership concentration in privatized firms: the role of disclosure standards, auditor choice, and auditing infrastructure. *Journal of Accounting Research*, 44(5), 889-929.
- Haghighat Shahrani, K., Khordiar, S., Mohammadi Nodeh, M., & Fazel, F. (2021). The impact of internal audit effectiveness and financial reporting quality on the information asymmetry between the manager and the auditor. *Advances in Accounting*, 13(1), 101-129. (in persian)
- Hammersley, J. S., Myers, L. A., & Shakespeare, C. (2007). Market reactions to the disclosure of internal control weaknesses and to the characteristics of those weaknesses under section 302 of the sarbanes oxley act of 2002. *Review of Accounting Studies*, 13(1), 141-165.
- Hasarzadeh, Reza. (2023). *Principles of Writing the Theoretical Foundations and Hypothesis Testing with Moderating Variables*. 2nd edition, Ferdowsi University Press, Mashhad. (in persian)
- Hope, O. & Thomas, W. (2008). Managerial empire building and firm disclosure. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 591-626.
- Irani, R. & Oesch, D. (2013). Monitoring and corporate disclosure: evidence from a natural experiment. *Journal of Financial Economics*, 109(2), 398-418.
- Jung, B., Lee, W., & Weber, D. P. (2014). Financial reporting quality and labor investment efficiency. *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 1047-1076.
- khoshjasteh, A., & Vadzadeh, K. (2022). The deterrent role of internal controls and the internal audit unit in fraud prevention. *Professional Auditing Research*, 2(5), 8-55. (in persian)
- King, H. (2023). Assessing the impact of audit quality on accountability and transparency among financial institutions in the united states: a systematic review and meta-analysis. *Journal of Finance and Accounting*, 7(2), 11-21.
- Lee, E., Strong, N., & Zhu, Z. (2014). Did regulation fair disclosure, sox, and other analyst regulations reduce security mispricing?. *Journal of Accounting Research*, 52(3), 733-774.
- Lisowsky, P. & Minnis, M. (2020). The silent majority: private u.s. firms and financial reporting choices. *Journal of Accounting Research*, 58(3), 547-588.
- Marchica, M. & Mura, R. (2010). Financial flexibility, investment ability, and firm value: evidence from firms with spare debt capacity. *Financial Management*, 39(4), 1339-1365.
- Mathuva, D. M., Taurigana, V., & Owino, F. J. O. (2019). Corporate governance and the timeliness of audited financial statements: The case of Kenyan listed firms. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(4), 473-501.
- Mohseni Nia, Baba Jani, & Jafar. (2021). Investigating the Impact of Internal Audit Quality on Financial Reporting Quality in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 12(4), 19-38.
- Moradi, M., & Jodaki, R. (2023). The effect of organizational culture, corporate governance and audit quality on auditors' performance. *Professional auditing research*, 3(10), 72-95. (in persian)
- Nikbakht, & Ahmadkhani Bighi. (2018). The Impact of Corporate Governance on Financial

Reporting Quality: An Integrated Approach. *Studies in Accounting and Auditing*, 25(3), 433-455. (in persian)

Olufemi, O., Festus, A., & Adekunle, A. (2021). Accounting software in computerized business environment and quality of corporate reporting. *Journal of Finance and Accounting*, 9(3), 101.

Peduzzi, P., Concato, J., Kemper, E., Holford, T. R., & Feinstein, A. R. (1996). A simulation study of the number of events per variable in logistic regression analysis. *Journal of clinical epidemiology*, 49(12), 1373-1379.

Peek, E., Cuijpers, R., & Buijink, W. (2010). Creditors' and shareholders' reporting demands in public versus private firms: evidence from europe*. *Contemporary Accounting Research*, 27(1), 49-91.

Persellin, J., Schmidt, J., Vandervelde, S., & Wilkins, M. (2019). Auditor perceptions of audit workloads, audit quality, and job satisfaction. *Accounting Horizons*, 33(4), 95-117.

Pincus, M., Tian, F., Wellmeyer, P., & Xu, S. X. (2017). Do clients' enterprise systems affect audit quality and efficiency?. *Contemporary Accounting Research*, 34(4), 1975-2021.

Plant, K., Barac, K., & Jager, H. (2017). Developing early career professional auditors at work. *Meditari Accountancy Research*, 25(3), 368-390.

Rahman, S. (2019). Credit supply and capital structure adjustments. *Financial Management*, 49(4), 949-972.

Reichelt, K. J. & Wang, D. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of Accounting Research*, 48(3), 647-686.

Rice, S. & Weber, D. (2012). How effective is internal control reporting under sox 404? determinants of the (non-)disclosure of existing material weaknesses. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 811-843.

Roychowdhury, S. & Srinivasan, S. (2019). The role of gatekeepers in capital markets. *Journal of Accounting Research*, 57(2), 295-322.

Roychowdhury, S., Shroff, N., & Verdi, R. S. (2019). The effects of financial reporting and disclosure on corporate investment: a review. *Journal of Accounting and Economics*, 68(2-3), 101246.

Saputra, I. & Yusuf, A. (2019). The role of internal audit in corporate governance and contribution to determine audit fees for external audits. *Journal of Finance and Accounting*, 7(1), 1-5.

Shah Mansourian Afrouz, & Meraan Joori, Mehdi. (2018). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Timely Financial Reporting. (in persian)

Silvirianiti, R. (2022). Pengaruh Struktur Good Corporate Governance Terhadap Ketepatan Waktu Pelaporan Keuangan. *Journal of Culture Accounting and Auditing*, 1(1), 51-67.

Valizadeh Larijani, E., Khodaei, M., & Mona, M. (2021). The moderating effect of internal audit performance quality on the relationship between corporate governance quality and company performance. *Financial Accounting and Auditing Research*, 13(52), 1-22. (in persian)

Vyas, D. (2011). The timeliness of accounting write-downs by u.s. financial institutions during the financial crisis of 2007-2008. *Journal of Accounting Research*, 49(3), 823-860.

Wang, X. (2010). Increased disclosure requirements and corporate governance decisions: evidence from chief financial officers in the pre- and post-sarbanes-oxley periods. *Journal of Accounting Research*, 48(4), 885-920.

پی‌نویس:

1. Armstrong et al.
2. Chung et al.
3. King.
4. Saputra & Yusuf.
5. Anginer et al.
6. Berger et al.
7. Ettredge et al.
8. Irani & Oesch
9. Olufemi et al.
10. Bar-Hava
11. Vyas
12. Doyle & Magilke
13. Ahmed et al.
14. Peek et al.
15. Costello & Wittenberg-Moerman
16. Ball et al.
17. Gillette et al.
18. Ball
19. Gormley et al.
20. Jensen & Meckling
21. Lisowsky & Minnis
22. Christensen et al.
23. Roychowdhury et al.
24. Bedard et al.
25. Edmans & Liu
26. Hope & Thomas
27. Downar et al.
28. Bako
29. Mathuva et al.
30. Silvianiti, R.
31. Fan et al.
32. Abbott et al.
33. Bozanic et al.
34. Abdel-Rahim et al.
35. Jung et al.
36. Fredriksson et al.
37. Wang
38. Lee et al.
39. Dimitrov & Jain
40. Cohen et al.
41. Beasley et al.
42. Fan & Wong
43. DeFond et al.
44. Hammersley et al.
45. Baxter et al.
46. Guedhami & Pittman
47. Vyas et al.
48. Pincus et al.
49. Cassell et al.
50. Al Matari et al.
51. Bills et al.
52. Francis et al.
53. Goodwin, J. and Wu
54. Persellin et al.
55. Goldie et al.
56. Reichelt & Wang
57. Ben Youssef & Drira
58. Ege et al.
59. Felix et al.
60. Beck et al.
61. Plant et al.
62. Peduzzi et al.
63. Bhuiyan et al.
64. Rice, S. and Weber, D.
65. Engel, E.
66. Rahman, S.
67. Marchica, M. and Mura, R.
68. Francis, J. and Martin, X.
69. Dechow, P et al.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.